



درس فراه فقہ استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس (غنائم دار الحرب) تاریخ: ۱۳ آذر ۱۳۹۲
 موضوع جزئی: مقام دوم: بررسی شروط تعلق خمس به غنمیت جنگی - اذن امام مصادف با: ۱ صفر ۱۴۳۵
 سال چهارم جلسه: ۳۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

قول ششم:

قول ششم تفصیلی است که مرحوم آقای حکیم در مستمسک بیان فرموده‌اند ایشان بین حرب علی وجه الجهاد و حرب علی وجه الدفاع فرق گذاشته‌اند؛ به این بیان که: می‌فرماید در جایی که جنگ برای جهاد و دعوت به اسلام باشد، در این صورت چنانچه این جنگ به اذن امام باشد خمس واجب است ولی اگر به اذن امام نباشد همه غنائم مال امام است اما در دفاع فقط خمس واجب است و دیگر اذن امام مدخلیتی در تعلق خمس ندارد.

پس در واقع مرحوم آقای حکیم تفصیل مشهور را در خصوص جنگ جهادی پذیرفته اما در جنگ دفاعی معتقد است این تفصیل راه ندارد و در جنگ دفاعی به نظر ایشان مطلقاً خمس واجب است.

دلیل قول ششم:

دلیلی که بر این ادعا اقامه شده این است که مرسله وراق که سابقاً بیان شد حمل می‌شود بر جهاد و جهت آن هم این است که در مرسله کلمه اذا غزا آمده و مورد آن هم در واقع جنگ للدعوة الی الاسلام بوده با توجه به اینکه غزا و غزو در اصطلاح شرع به جهاد اطلاق می‌شود و شامل دفاع نیست قهراً مدلول این روایت این است که اگر در جهاد اذن امام بود، خمس غنائم واجب است و بقیه بین مقاتلین تقسیم می‌شود و اگر اذن امام نبود همه آن مربوط به امام است پس اساساً این مرسله ولو به حسب ظاهر اطلاق دارد اما حمل می‌شود بر خصوص جهاد و شامل غیر مثل جنگ دفاعی نمی‌شود.

پس در مورد دفاع چه باید کرد؟ فیرجع الی عموم الآیة پس در جایی که جنگ دفاعی است تحت عموم آیه خمس باقی می‌ماند و ادله اعتبار اذن شامل آن نمی‌شود.^۱

بررسی قول ششم:

به نظر ما این تفصیل هم مردود است و اشکالاتی به آن وارد است:

اشکال اول:

این تفصیل مخالف اطلاق ادله اعتبار اذن است؛ در ادله اعتبار اذن مثل مرسله وراق و صحیحه حلبی فرقی بین جهاد و دفاع نگذاشته و به طور کلی فرموده حرب اگر به اذن امام باشد در آن خمس واجب و اگر به اذن امام نباشد کلها للامام. این در صحیحه معاویة بن وهب کاملاً واضح است چنانچه دلالت آن را سابقاً توضیح دادیم و مرسله وراق هم اطلاق دارد. اینکه مرحوم آقای حکیم فرموده که غزو در اصطلاح شرع مخصوص جهاد است و شامل دفاع نمی‌شود، این هم قابل قبول نیست ما قبلاً اشاره کردیم غزو اختصاص به حرب علی وجه الجهاد ندارد بلکه شامل جهاد و دفاع می‌شود و این ادعا ادعای بدون دلیل

۱. مستمسک العروة، ج ۹، ص ۴۴۸.

است. پس هیچ مانع و دلیلی در برابر اطلاق مرسله وراق که مطلق جنگ را گفته که اگر به اذن امام باشد فیجیب فیہ الخمس، نیست.

بهر حال به نظر می‌رسد تفصیل بین حرب علی وجه الجهاد و علی وجه الدفاع در ادله وجود ندارد.

اشکال دوم:

سلمنا که این اختصاص به جهاد داشته باشد یعنی ما شمول روایت را نسبت به دفاع نپذیریم و بگوییم کلمه غزو شامل دفاع نمی‌شود و اصلاً این روایت مختص جهاد است ولی باز هم به درد مفصل نمی‌خورد برای اینکه دفاع در هر صورت مشروع است یعنی به حسب حکم عقل و ادله نقلیه دفاع، مشروع است یعنی دفاع مسلمین در مقابل هجمه اجانب و کفار مأذون به اذن عام از ناحیه ائمه است حتی در عصر غیبت، اینکه هر کسی حق دارد از خودش دفاع کند، نه تنها در شریعت نبوی و در کلمات ائمه (ع) وارد شده بلکه یک سیره عقلانی است و حکم عقل است لذا دفاع به طور کلی اصلاً یک جنگ و حرب مشروع است و یک اذن عامی نسبت به دفاع از ناحیه ائمه صادر شده است و این اذن در واقع مؤکد همان فهم و درک عقل است.

بنابراین دفاع هیچ وقت نیاز به اذن خاص ندارد اما جهاد محتاج به اذن است جهاد برای دعوت به اسلام نیازمند به اذن است بنابراین از این جهت اذن امام در آن معتبر دانسته شده لذا در مرسله وراق گفته شده اگر حرب به اذن امام باشد خمس در آن واجب است و اگر به اذن امام نباشد کلها للامام. ولی از آنجا که دفاع نیاز به اذن خاص ندارد بلکه مأذون به اذن العام است قهراً از شمول این هم خارج شود اصطلاحاً و موضوعاً اما حکم آن با جهاد یکی است و خمس در آن واجب است. پس حتی اگر ما مرسله وراق را مختص به جنگ علی وجه الجهاد بکنیم باز هم این تفصیل ثابت نمی‌شود که بگوییم در حرب علی وجه الجهاد اذن مدخلیت دارد ولی در مورد حرب علی وجه الدفاع اذن مدخلیتی ندارد و خمس همیشه واجب است مطلقاً چه اذن باشد و چه اذن امام نباشد.

ممکن است سؤال شود که چه فرقی است بین آنچه شما گفتید و آنچه که مرحوم آقای حکیم گفتند و شما آن را رد کردید؟ فرق نظر ما با نظر مرحوم آقای حکیم در مورد دفاع این می‌شود که طبق نظر ایشان در دفاع سواءً کان باذن الامام أم لم یکن یا ذنه یجب الخمس اما طبق بیانی که ما داریم می‌گوییم دفاع یجب فیہ الخمس دائماً در غنائمی که در دفاع بدست می‌آید همیشه خمس واجب است ولی از این جهت که دفاع اساساً یک حرب مأذون و مشروع دائمی است و نیازی به اذن خاص ندارد پس مشمول ادله اعتبار اذن می‌شود لذا تفصیل صاحب مستمسک یعنی قول ششم هم تمام نیست.

حق در مسئله:

تا اینجا ما شش قول را در جهت اول بحث ذکر کردیم؛ مقتضای تحقیق در جهت اولی چیست؟ ما در ابتدا غنائم دار الحرب را تعریف کردیم و بعد ادله وجوب خمس را گفتیم که مقام اول بحث بود و مقام دوم فیما یشرط فی الغنیمه التی یجب فیها الخمس در این مقام دوم گفتیم از چند باید بحث کرد یکی اینکه آیا اذن امام شرط است یا نه که گفتیم در مورد اشتراط اذن امام شش قول وجود دارد که تا اینجا این شش قول را بررسی کردیم و الآن باید ببینیم مقتضای تحقیق در بحث اشتراط اذن امام چیست.

با توجه به آنچه گفتیم حق در مسئله قول اول است و هو ما ذهب اليه المشهور که بین حرب به اذن و حرب بغير اذن امام تفصیل دادند و نتیجه این شد که جنگ به طور کلی اگر به اذن امام بود، يجب فيه الخمس و الا الغنائم كلها للامام. فقط باید توجه کرد اینکه ما می‌گوییم این تفصیل مشهور را می‌پذیریم اینجا منظورمان از امام خصوص امام معصوم نیست منظور مطلق الامام العادل است چه امام معصوم باشد و چه ولی شرعی لذا فرقی بین عصر غیبت و عصر حضور نیست و فرقی بین جهاد و دفاع نیست و فرقی بین اینکه این جنگ للدعوة الى الاسلام باشد یا لبسط الملك و امثال آن نیست. به طور کلی هر جنگی را که امام عادل اذن بدهد غنائم آن متعلق خمس هستند و خمس واجب است و هر چه را امام اذن نداد ولو کان فی عصر الحضور ولو كانت للدعوة الى الاسلام ولو كانت للدفاع باز هم كلها للامام.

و اگر از مشهور کسی نظرش از تفصیل بین اذن الامام و غیر اذن الامام خصوص امام معصوم باشد، باز هم ما نظرمان متفاوت است ما این تفصیل مشهور را می‌پذیریم ولی امام را منحصر در معصوم در این روایت نمی‌دانیم اذن الامام یعنی امام معصوم یا امام عادل و قرائن زیادی هم در روایات ذکر کردیم که کلمه امام ذکر شده و ناظر به امام معصوم نیست و شامل هر امام عادل می‌شود.

دلیل ما هم بر این قول و این تفصیل از آنچه که گفته شد معلوم است یکی مرسله وراق که دلالت آن کاملاً روشن بود و هم چنین صحیحه معاویه بن وهب که این صحیحه هم می‌تواند به وسیله مرسله وراق تأیید شود (اگر در دلالت آن اشکال شود که سابقاً بیان کردیم) لذا نتیجه این می‌شود که اگر جنگ به اذن امام باشد خمس واجب است و گرنه كلها للامام.

پس نتیجه این شد که ما ذهب اليه السيد في العروة که تفصیل بین زمان حضور و زمان غیبت بود تمام نیست و احتیاط ایشان وجهی ندارد و همچنین آنچه را هم که امام (ره) فرمودند مبنی بر وجوب خمس در عصر غیبت و بین عصر غیبت و عصر حضور تفصیل دادند این هم به نظر ما تمام نیست و قول اول حق است یعنی جنگ اگر به اذن امام باشد يجب فيه الخمس و الا كلها للامام.

تذکر اخلاقی: شدت عذاب اهل ریا

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «إنَّ النارَ و اهلها یعجّون من اهل الریا فقیل یا رسول الله فکیف تعجّ النار؟ قال: من حرّ النار التي یعذبون بها»

رسول خدا می‌فرماید: روز قیامت خود آتش و اهل آتش فریادشان از اهل ریا بلند است؛ اهل ریا وضعیت‌شان به گونه‌ای است که خود آتش جهنم و اهل آن از دست اهل ریا فریادشان بلند است عجّ به معنای رفع الصوت است. از رسول خدا (ص) سؤال شد چگونه آتش فریاد می‌زند؟ حضرت فرمود: این آتش از آتشی که اهل ریا با آن عذاب می‌شوند، فریادش بلند است. یعنی آن قدر حرارت آتشی که اهل ریا را عذاب می‌کنند، زیاد و سوزاننده است که حتی آتش جهنم و اهل جهنم هم از این حرارت و سوزاندگی فریاد می‌زنند. این نشان می‌دهد که ریا خیلی کار را مشکل می‌کند و ریا کار خیلی معذب است بهر حال باید سعی کنیم از ریا دوری کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»